

۲ چستی فلسفه دینی قرآن کریم

۳ فاعلیت تغییر و تحول با سوره نساء

۸ تعریف اجتهاد پارادایمی و تأثیر نگاه پارادایمیک به فلسفه فقه

۱۰ وضعیت اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی - اسلامی

۱۲ مدخلی بر منطق پژوهش سند

۱۶ تحول تا تعالی شهر - مدیریت شهر، الگو تا نگرش



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هفتم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۸

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

- و اینک فصل آذر و در پرتو آذر روح دین و از سر خدمی پیشرفت ملت، گزارشی دیگر تقدیم حضور می‌شود.
۱. گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنایی در ادامه هم‌اندیشی جهان دینی - جهان جدید به «چستی فلسفه دینی قرآن کریم» نظر افکنده است و آن را در میانه دو مقوله رسانه‌ای و پیامی در ضمن دو فصل حقیقت دین و تحقق دین در دستور هم‌اندیشی داشته است؛
 ۲. گروه پژوهش تفسیری نیز در ادامه کارگاه پژوهشی تفسیر هدی به «فاعلیت تغییر و تحول با سوره نساء» نظری تحلیلی افکنده است و از مجموعه نظام‌های در دستور تفسیر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، «فقه جامع مقاصدی در سوره بقره» به معرض تحلیل می‌آید؛
 ۳. در حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت، در این نوبت گزارش گروه اخلاق و سبک زندگی، «فلسفه نیایش» در دستور نظر و هم‌اندیشی آمد؛
 ۴. گروه فقه و حقوق در ذیل فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت (فقه نظام پیشرفت) گزارش دو مبحث «سطوح بازخوانی اندیشه اصولی در تاریخ فکر دینی» و «تعریف اجتهاد پارادایمی و تأثیر نگاه پارادایمیک به فلسفه فقه» را به معرض آورده است؛
 ۵. گروه علوم انسانی نیز در گروه پروژه تفصیلی علوم انسانی دین‌شناخت و ذیل گزارش «وضعیت اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی - اسلامی»، تصویری تفصیلی از ضرورت علوم انسانی دین‌شناخت به دست داده است؛
 ۶. سه مبحث «مدخلی بر منطق پژوهش سند»، «ویرایش پیشنهادی قرارداد ملی و سند الگوی پایه پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» و «سازوکار نسبت نظام تنزیلی با آینده‌نگاری» سامان‌دهی الگوی عمل توسعه‌ای آینده‌نگار راهبردی بر بنیان سامان دانشی سطوح فرآورنده علم پیش رو برای داوری اهل نظر است؛
 ۷. در این شماره سه گزارش رویدادی «تحول تا تعالی شهر - مدیریت شهر، الگو تا نگرش»، «روش‌شناسی مختصر برای نظریه‌پردازی شهر ایرانی - اسلامی، بخش دوم» و «نشست هم‌اندیشی واحدهای پژوهشی حوزوی» پیش رو خواهد بود.
- امید آنکه قدردان بخشش خداوند باشیم!

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، پروژه «چیستی فلسفه دینی قرآن کریم» معرفی می‌شود که در راستای آن صنف از مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود.

چیستی فلسفه دینی قرآن کریم

گفته است: «مثلا پشت خط می‌گوید: «اگر بیایی خوب است»، بعد هم می‌گوید «برای من زحمتی نیست». بعد می‌فهمیم که پشت خط به او گفته «مزاحم می‌شوم؟»، این طرف خط در پاسخ این را گفته است؛ یعنی متن را دارم تیزه می‌کنیم تا بفهمیم. وقتی متن را به درام تبدیل کنیم، مسئله متفاوت می‌شود و می‌توانیم تفسیر دیگری ارائه بدهیم. برخی از مشکلاتی که با آن‌ها مواجهیم، به این دلیل است که هنوز موضع خود را درباره این متن مشخص نکرده‌ایم. به واقع ما چه چیزی را تفسیر می‌کنیم؟ ما با یک سوال معرفت‌شناسانه مواجه هستیم؛ نسبت ما با این متنی که در حال تفسیر آن هستیم، چیست؟

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آکوچکیان: ما می‌توانیم دامنه مسئله‌ها را از یک سامانه اجتماعی آغاز کنیم. ما در متن واقعیت‌هایی در جهان معاصر و جهان ایرانی، با همه مختصات، تاریخ، پسینه و پیشینه و به خصوص با تجربه پسانقلاب اسلامی، یعنی موضوعی به نام ایدئولوژی که به جغرافیا اضافه شده است، زندگی می‌کنیم. ما در این ساحت جغرافیایی ایدئولوژیک با یک ویرایش دیگری از پرسش‌ها روبرو هستیم. امروزه پرسش‌های هستی‌شناخت، فلسفه دینی، معرفت‌شناخت و روش‌شناخت ما، ناظر به همین امر پسینی عینی به وجود آمده، به طور طبیعی در اندازه‌ها، حجم، گستره و ژرفای متفاوتی است و اگر صد سال پیش اتفاق می‌افتاد و یا در اقلیم دیگری مانند یمن اتفاق می‌افتاد، متفاوت می‌بود. اندیشمندی چون جناب صادق‌نیا با توجه به ویژگی‌های خاص این اتفاق جدید که در جهان معاصر ایرانی - اسلامی با آن مواجه هستیم، چگونه گذاری را به مخاطب معاصر پیشنهاد می‌کند؟ از جمله درباره رابطه میان عینیت و دین یا جغرافیا و دین، در همان رویکردی که اشاره فرمودید چه پیشنهادی دارید؟ کاری با استنتاج نداشته باشیم، در تجربه‌های خودمان در جهان معاصر ایرانی، فهمی که الان تجربه‌اش می‌کنیم و حیث زیست‌مندی این اتفاق. شما در برخورد با واقعیت امروز جهان ایرانی - اسلامی آن پرسش‌ها را چه ویرایش دوباره‌ای می‌کنید تا بگوییم که ما می‌خواهیم فلسفه دین را با یک رویکرد جدید، با زبان جهان معاصر به میان بگذاریم و بگوییم که فکر تفسیری در این چشم‌انداز جدید با چنین رویه‌ای باید به سمت پاسخ به مسائل جدید برود؟ در این راستا، به طور طبیعی فهرست تازه‌ای از نظام مسائل خواهیم داشت. پرسش‌های جدیدی متولد می‌شود. پرسش‌هایی که نظام حوزوی و نظام دانشگاهی دین‌پژوه به نسل جوان پاسخ نمی‌دهد و چه بسا ممکن است در عمل و در تجربه‌های تفاهمی خودش به آنها برسد.

سلسله مباحث نشست انجمن «جهان دینی جهان جدید» با حضور اساتید صاحب نظر در این حوزه، در گام آذر ماه، بحث و بررسی پیرامون «ماهیت قرآن کریم» در دستور کار خود داشت:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر صادق‌نیا: علم در جامعه ما پیشینی است و بزرگ‌ترین مشکل آن همین است. ما هیچ وقت به علم به مثابه یک امر پسینی یعنی پساتجربه توجه نمی‌کنیم. مسئله مهم این است که آنچه ما تفسیر می‌کنیم، چیست؟ این آیات و متن خطانپذیر است یا خط‌پذیر؟ آیا این متن detection theory یا chosen theory یا selective theory یا imaging یا detection است؟ بر چه اساسی این متن دست ما رسیده است؟ نیاستی از این سوالات گریز داشت.

قبل از اینکه بگوییم «آیا سبک زندگی اسلامی در قرآن وجود دارد یا ندارد»، ابتدا باید به این سوالات خرد پاسخ بدهیم. باید تبیین کرد قرآنی که ما درباره آن صحبت می‌کنیم یک Media است یا یک Message؟ اگر بگوییم Media است، تفسیر ما خیلی متفاوت خواهد بود تا وقتی که بگوییم یک Message است. وقتی می‌گوییم یک پیام است یعنی همانگونه از جانب خداوند آمده است. مفسرین ما در این باره به صراحت صحبت نکرده‌اند. اگر بناست ادعا کنیم در قرآن کریم سبک زندگی‌ای داریم که می‌توان به آن نام اسلامی نهاد، و اگر به این قرآن به مثابه پیام نگاه کنیم، آیا امکان استخراج وجود دارد یا ندارد؟ از نظر بنده، این قابلیت را ندارد. اگر قرآن را Message بگیریم، معانی خیلی زیادی را در آن از دست می‌دهیم. در واقع مثل کسی می‌مانیم که در حال شنیدن یک گفتگوی تلفنی است و نمی‌داند که چه کسی پشت خط است و چه می‌گوید؛ فقط یک طرفه خط را گوش می‌دهد، این طرف خط جملات بریده است، جملات پریشان است. ما چون جملات یک طرف خط را گوش داده‌ایم، خیلی اذیت می‌شویم، چون نمی‌فهمیم چه اتفاقی افتاده است. استخراج سبک زندگی اسلامی از محتوای این امر، کاری پیچیده خواهد بود؛ اما اگر بگوییم قرآن یک Media است، بنا بر این برای اینکه بفهمیم این متن چه می‌گوید، باید آن را به درام تبدیل کنیم. به این معنا که گفت و شنودی در حال اتفاق افتادن است و وقتی جمله‌ای را می‌شنویم، می‌گوید: «بله این جمله‌ای بود که در پاسخ به آن طرف خط، این طرف

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره، دو گزارش «فاعلیت تغییر و تحول با سوره نساء» و «فقه جامع مقاصدی در سوره بقره» به معرض نظر می‌آید.

فاعلیت تغییر و تحول با سوره نساء

و سطح فاعلیت علم‌الاجتماعی را شناسایی نمود. احکام در این لایه حاضرند و قواعد تدبیر موقعیت‌ها را پیشنهاد می‌کند و البته بسته و پیوسته با موقعیت تاریخی است و بدین سوی با قبض و بسط موضوعات ساحت قبض و بسط احکام نیز آشکار می‌شود. تدبیر عینیت تاریخی به مقتضای چه سطحی از تاریخت موضوع، ظاهر می‌شود؟ این تبدیل حکم، گاه نه به حسب موضوع بلکه به حسب ویرایش تازه‌ای از مبانی فلسفه علم فقه است. نمونه‌ای از آن بازخوانی رویکرد جزءنگر به فقه به رویکرد نظام‌واره‌ای است. از دیگر سو حیث کلان‌وارگی نظام معارف بر مدار اندیشه مرجع پیشرفت یا تفرقه در دین که فقه را در فرآیند نظام‌سازی نیز وارد می‌کند. نهاد خانواده، صف پیشاهنگ سرمایه اجتماعی است.

۱. ۳. سومین سطح فاعلیتی سوره نساء، فاعلیت نهاد کلان اجتماعی است که در دو بخش دولت - ملت، ایفاگر عمل توسعه ملی است که در این صف، فراخوانی اصیل سوره تاکید بر الگوریتم پس‌کوای یا پالایش زیستمانی و علم‌الاجتماعی این نهاد اجتماعی است. هشیاردهی به نقش پیچیده منافقین و صفوف ایمانی جامعه

در سلسله نشست‌های منظومه تفسیر هدی که در محل مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) برگزار شد، ادامه تفسیر سوره نساء با محور کلی «زیستمان و مدنیت فراجنسیتی کانونی در الگوی تحول» در دستور هم‌اندیشی اعضای این گروه پروژه قرار گرفت. راهبر نشست بیان کرد سوره نساء، یک ماتریس سه ضلعی در خویش دارد. اولین ضلع ماتریس، فاعلیت تغییر و تحول است: ۱. سوره نساء، سوره واحد فاعل تغییر و تحول است. برش‌های این سطوح فاعلی:

۱. ۱. چونان همه سوره‌های قرآن کریم، واحد مبنا، زیستمان انسانی است که با سه نمایه مرکزی ایمان، عمل صالح و تقوا، نقطه کانونی حیث زیستمانی فاعلیت تغییر و تحول را برای تمهید سطح عمل‌کنندگی استراتژی در اجرا تمهید می‌کند. بدین روی در این سطح بودگی انسانی، هستمندی آدمی مخاطب است و انتولوژی انبیا بر این مبنا، قوام می‌گیرد. در سراسر قرآن کریم از جمله سوره نساء این انتولوژی زیستمانی در کانونی‌ترین نقطه فاعلیت تغییر و تحول تنفس می‌کند و ضربان دارد و مفصل بنیادین ساخت شبکه‌ای آموزه‌های راهبرنده به رشد قرآن کریم است. این حیث زیستمانی لا به شرط تاریخت، به جنسیت و به موقعیت است.

۱. ۲. دومین حیث کنشگری و فاعلیت تغییر و تحول با سوره نساء، نهاد خانواده، لحاظ جنسیت به مثابه نهاد واسط میان دو فاعلیت فردی و اجتماعی است. در این برش، سطوح تاریخت، جنسیت و موقعیت ظاهر می‌شود و می‌توان برش‌های تزلیلی الگوی جریان‌دهی فراتاریخ در تاریخ و در موقعیت زمان - مکان را پی گرفت و نمونه‌هایی را از نقطه‌های تدبیر آینده‌نگار در این اولین مؤلفه

“

سومین ویرایش از الگوی خودبانی رشد (تقوا) در متن عینیت تاریخی جامعه هدف با سوره نساء پیشنهاد می‌شود. الگو در این نوبت نیز از قاعده فصل کنشی زیست اجتماعی با دو سویه بنیادین زیستمانی و زمان‌مایه تمدنی تصویر می‌شود. فاعلیت پارادایمی زنان و نهاد خانواده در ضمن این الگو، یک فراز راهبردی در متن این الگوست. فصلی از این رویکرد از قاعده به سازه کلان الگو و بنیان‌های پارادایمی آن، در این سوره، با نمونه موضوع «زن» مرور می‌شود. جریان عمومی سوره با دو سوره بقره و آل‌عمران نزدیک است؛ اما تفاوت‌ها که به نوبه خود، آموزگار نوع دیگری از برش از مدنیت منجر به تمدن است، فراخوان به سوره ممتاز دیگری هستند

”



نظام تنزیل آشکار سازد تا داعیه ظرفیت اقتدار توسعه‌ای قرآن کریم با نمایندگی سوره نساء بر کرسی عینیت نشیند:

- ۱.۳. در سازوکار رشد اندیشه و فهم مرجع تغییر و تحول؛
- ۲.۳. در سازوکار مدیریت دانش با تاکید بر نظام میان رشته‌ای‌های فقه احکام با سوره نساء و میان رشته‌ای‌های فلسفه مضاف؛
- ۳.۳. سازوکار شکل‌گیری نظام‌های مطلوب با محوریت نظام حقوق خانواده و حقوق زن؛
- ۴.۳. سازوکار الگوی توسعه اجتماعی؛
- ۵.۳. سازوکار نقد وضعیت اجتماعی - تمدنی، مدنیت و حکمرانی تمدنی؛
- ۶.۳. سازوکار کیفیت حکمرانی.

آموخته اولیه این قلم، از جمله از سوره نساء آن است که منطق احکام دین، منطق جهت‌گیری موقعیت کنش در راستای حیث فراتاریخ دین قرآنی است. بدین روی فهرست احکام دین مثل سوره نساء، فهرست چند لایه‌ای است:

۱. احکام موضوعات مستنبطه که موضوع از سوی دین الهی تولید شده و حکم آن معرفی گردیده است چونان احکام نماز؛
۲. احکام موضوعات مستحدثه با محوریت فاعلیت فعل اجتماعی که با تغییر حیثیت فاعل، حکم آن استنباط می‌شود. سامانه احکام این بخش همواره در داد و ستد با وضعیت تاریخی جامعه هدف است. فقه مقاصدی در این ساحت شکل می‌گیرد.

فقه جامع مقاصدی در سوره بقره

در سلسله نشست‌های تفسیری سوره بقره و در تفسیر آیات فقهی این سوره، فقه مقاصدی احکام به فقه جامع رهسپار شده است. آیات ۱۵۸ تا پایان سوره، فلسفه قرآن بنیان فقه مقاصدی احکام را در ضمن فلسفه فقه جامع (فقه در دین) می‌آموزد. فقه جامع مقاصدی، فقه در دین است که به فقه پیشرفت نیز نامیده می‌شود و در این راستا، فقه احکام، فقه هستی و دیگر عرصه‌های دانشی درون دینی، ماهیت معرفت‌شناخت مقاصدی می‌گیرند. به این حیث مقاصدی در آموزه‌های فلسفه دینی سوره و نیز کل قرآن کریم پرداخته می‌شود و مضرب دیگر مؤلفه‌های پارادایمی و به طور خاص معرفت‌شناختی و روش‌شناختی می‌گیرند.

برای مثال در آیه ۱۸۹، با فراز «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ» پرسش‌های فلسفه فقهی ادامه دارد.

پرسش از حقیقت «اهله» پرسش از فایده و احکام آن است. پرسش از

مسلمانی در این سطح مد نظر است. سوره نساء، این سومین سطح فاعلیت تغییر و تحول روان‌شناخت تا جامعه‌شناخت و تحولی را نیز در خویش دارد. دولت - ملت، دومین سطح سرمایه اجتماعی، در آموزگاری سوره معرفی می‌شود.

۱.۴. چهارمین سطح فاعلیت تغییر در سوره نساء، فاعلیت مقابله‌ای با جریانات مهاجم دوره‌های گوناگون اجتماعی و تمدنی است که چونان سوره‌های بقره و آل عمران، در این سطح و از سوی در سومین ویرایش نظریه جامعه تغییر، جریان یهودیت ایدئولوژیک را در مقابل این فاعلیت جهادی افشاگری می‌کند.

فاعل استراتژی در اجرا با سوره نساء دارای چهار برش از سطح فاعلیت جهادی تا فاعلیت زیستمانی است. این چنین فاعل چهارلایه‌ای، فاعل تغییر و فاعل تحول تمدنی است. این نگرش بر آن است که کانون مدیریت استراتژی، فاعل عمل‌کننده استراتژی است.

۲. ضلع دوم این ماتریس تغییر و تحول، برشی است که آن فاعلیت تغییر و تحول را در ضمن یک الگوی دیالکتیکی و چرخشی نظر و عمل معرفی می‌کند. از این چشم‌انداز نیز می‌توان، سطوح این الگوی راهبرنده را با سوره دریافت.

۱.۲. سطوح دست‌کم پنج‌گانه پارادایمی، نظری و جهان‌بینی که از بنیان فلسفه دینی آغاز تا هستی‌شناسی و انسان‌شناسی الهیاتی تا معرفت‌شناسی و فلسفه دانش‌های مبنای تحول و تاروش‌شناسی. برای مثال، منطق حاکم بر ساخت ۱۷۶ آیه‌ای سوره نساء، منجر به دو منطق خطی قیاسی و استقرائی نیست. بلکه ماهیت به شدت ژرف سازوکاری درون سوره دست‌کم، مقتضی دو منطق استفهامی و پس‌کاوی نیز هست.

۲.۲. جریان آن پایه‌های پارادایمی در نظام‌پردازی‌های مطلوب که می‌تواند ویرایش تفصیلی‌تری را از چند وجه نظر مضربی برای سوره بقره معرفی کند. وزن نظام‌پردازی و نظام‌شناسی دین در سوره نساء، از سوره آل عمران و سوره بقره بیشتر است. نظریه مرجع آیات یک تا ۳۹ در سوره بقره که در بازخوانی کلان فرآیند تحول تمدنی سطوح بسط تاریخی یافته است، در سوره نساء سطوح فاعلیتی یافته است و برای مثال احکام موضوع فقه احکام، در ذیل این نظام‌های تودرتو در معرض بازشناسی قرار می‌گیرد و در این ساحت تحلیلی است که می‌توان افزون بر فقه احکام عملی از فقه احکام معارفی، احکام اخلاقی و احکام برنامه توسعه‌ای نیز سخن گفت.

۲.۳. مدل‌پردازی‌های مفهومی و عملیاتی می‌تواند در تناسبات سازوکاری با سطوح یادشده فاعلیت تغییر بر آید و در عمل دو فرآیند نظام‌شناسی دین‌شناخت پیشرفت و نظام‌سازی توسعه‌ای را با لحاظ حیث استنادی به سوره نساء، جهت بخشید و تا در تناسب با مدل کلان تربیتی قرآن کریم از سویی و ساخت تنزیلی سوره و قرآن کریم از سویی دیگر بسطی هماهنگ داد.

۳. ضلع سوم این ماتریس، برآیند دو ضلع پیشین ماتریس یادشده می‌تواند بخش‌های حداقل شش‌گانه سازوکار پیشرفت را در افق